

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: فعالان چریکهای فدائی خلق ایران
۰۳ اپریل ۲۰۱۶

"مهندسی انتخابات"، امری همیشگی در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی!

با پایان دهمین دوره نمایشات انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، شاهد تبلیغات عوام فریبانه وسیعی هستیم که سردمداران جمهوری اسلامی و دستگاه تبلیغاتی شان در باره ابعاد وسیع "پایگاه مردمی" رژیم "ولایت مطلقه فقیه" و هم چنین وجود "دمکراسی" – آن هم در دیکتاتوری عریان حاکم – و "سلامت" انتخابات ۷ اسفند [حوت] به راه انداخته اند. رهبر جمهوری اسلامی که در روزهای قبل از مضحکه انتخاباتی، با آگاهی از سرد بودن تنور انتخابات، با تمام توان به گدائی رأی از مردم و حتی مخالفان نظام اقدام ورزیده بود، پس از اعلام نتایج انتخابات ۷ اسفند به لاف و گزاف در مورد نتایج اعلام شده پرداخت و با ادعای "شرکت ۳۴ میلیون نفر" و ریختن "۷۰ میلیون رأی" به صندوق ها، این مضحکه انتخاباتی را "مردمی" و "سالم" خواند. خامنه ای سپس در عوام فریبی های خویش تا آن جا پیش رفت که مطرح نمود "انتخابات در نظام اسلامی همواره سالم بوده و هیچ گاه حرکتی سازماندهی شده برای تأثیرگذاری بر نتیجه انتخابات وجود نداشته است". وی در ادامه سخنانش تأکید نمود که "همان گونه که انتخابات اخیر سالم بود، انتخابات دوره های قبل، از جمله انتخابات سال های ۸۸ و ۸۴ نیز سالم بودند." به دنبال چنین اظهار نظر ریاکارانه ای مقامات دیگر رژیم نیز هر یک به صحنه آمده و با ادعای شرکت همه جناح ها و حتی مخالفان حکومت و آن ها که با نظام "فهر" کرده بودند این نمایش انتخاباتی را "پیروزی نظام" دار و شکنجه خود جلوه دادند. (محمدجواد لاریجانی، رئیس ستاد حقوق بشر قوه قضائیه)

تا آن جا که به ادعاهای ولی فقیه ارتجاع حاکم و اعوان و انصارش مبنی بر ریختن ۷۰ میلیون رأی و "درخشیدن" مردم در حوزه های رأی گیری و ... باز می گردد تمامی گزارشات شاهدان عینی از حوزه ها و حتی خود گزارشات منتشره توسط رسانه های تبلیغاتی رژیم (گزارشاتی که اکثراً بر تعدادی از حوزه های خاص متمرکز بود) خلاف ادعای خامنه ای و کساد بودن بساط مضحکه انتخاباتی اخیر در اکثریت عظیم حوزه های رأی گیری به ویژه در مناطق محروم تر را نشان می دهند. این واقعیت حاکی از آن است که توده های ستمدیده در طول ۳۷ سال گذشته به دنبال هر یک از نمایشات انتخاباتی جمهوری اسلامی کوچک ترین روزنه جدیدی را در زندگی سراسر محنت و رنج خود مشاهده نکرده اند که این بار بخواهند برای تحقق مطالبات انباشته شده و پاسخ نگرفته شان به مضحکه های انتخاباتی رژیم دل خوش کنند!

تلاش مذبوحانه خامنه ای برای دموکراتیک و سالم و مردمی نشان دادن نمایشات انتخاباتی جمهوری اسلامی در طول سال های گذشته و ادعای این که هیچ "حرکت سازماندهی شده" ای برای "تأثیر گذاری بر نتایج" هیچ یک از انتخابات وجود نداشته در حالی مطرح می شود که همه می دانند اصولاً مهندسی انتخابات جزئی جدائی ناپذیر از سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی ست. این امر تا آن جا یک واقعیت عینی است که مقامات حکومت و نزدیکان و نمایندگان خود "ولی فقیه" حتی از عنوان کردن و دفاع از چنین کار ضد مردمی و رسوائی ابا نداشته و ندارند. به طور مثال حجت الاسلام سعیدی نماینده خامنه ای در سپاه پاسداران همین چند سال پیش ، پس از حمله به تفکری که ظاهراً "مهندسی انتخابات" را قبول ندارد تأکید کرد که به عنوان نیروهای مسلح: "وظیفه ذاتی ما مهندسی معقول و منطقی انتخابات است". (دی ماه [جدی] ۱۳۹۱)

گذشته از این، رهبر جمهوری اسلامی در شرایطی به تعریف و تمجید از "سلامت" انتخابات ۷ اسفند پرداخته که کوس رسوائی "سلامت" انتخابات اخیر از همان فردای پایان مضحکه مزبور از بام بر زمین افتاده و نمونه های تقلبات سیستماتیک و آشکاری که تعیین کننده نتایج "انتخابات" اخیر در "حکومت امام زمان" بوده اند در اثر تشدید تضادهای درونی بین جناح های رژیم هر چه بیشتر افشاء گشته اند. رسوائی نمایش اخیر در حدی ست که صدای اعتراض نسبت به غیر سالم بودن و تقلب در انتخابات از سوی هر دو جناح یعنی هم محافل متعلق به "بازندگان" و هم نیروهای وابسته به "برندگان" این "انتخابات" بلند شده است! به طور مثال روزنامه شرق به دنبال رسوائی ابعاد غیر قابل کتمان "خرید رأی" در شهرها ، در جریان نمایشات انتخاباتی اخیر مجبور به اعتراف به این امر شد و نوشت که "در برخی شهرها رأی ها با قیمت ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان خرید و فروش می شوند" (شرق ۸ اسفند) و یا قائم مقام حزب اعتماد ملی از "جلسات محرمانه" و نقشه های "اصولگرایان" برای صرف "بودجه بیت المال" به منظور انتقال "یک میلیون نفر" از روستا ها به تهران برای دادن "رأی" و معماری نتایج خبر داد.

از سوی دیگر ابعاد تقلب و دستکاری در انتخابات ۷ اسفند آن قدر هویدا و وسیع است که نمایندگان موسوم به "اصولگرا" به شدت نسبت به نتایج اعلام شده نمایش انتخاباتی به ویژه در تهران معترض بوده و خواهان بررسی "تخلفات" شدند. از جمله اسماعیل کوثری نماینده رژیم از تهران ، هنگام نشان دادن غیر واقعی بودن نتایج اعلام شده، زبان به شکایت علیه تغییر "یکباره" جایگاه نمایندگان هم کیش خود در لیست آراء گشود و از "تخلف" در انتخابات شکوه کرد و خواستار بررسی آن شد. وی در گفت و گو با "نامه نیوز" گفت: "این موضوع که آقای حداد عادل از رتبه سوم یا هفتم به یکباره به رتبه ۳۱ نزول می کند جای تعجب و پیگیری دارد". همین شخص در مقابل سؤال صریح خبرنگار که آیا می گوئید تقلب شده با اکراه مدعی گشت "نمی گوئیم تقلب شده اما احتمال تخلف وجود دارد و باید بررسی شود و به صورت مستند پاسخ داده شود."

علی کائیدی نماینده دیگر رژیم از پلدختر نیز در صحن مجلس در تاریخ ۱۶ اسفند از "تهدید و ارباب دسته های سازمان یافته ارادل و اوباش در سطح شهر و در حوزه های رأی گیری" و "خرید و فروش رأی" توسط آنان خبر داد که منجر به تغییر نتایج شد. وی در مورد هویت این ارادل و اوباش گفت "رئیس اطلاعات و رئیس اداره دادگستری آن ها را می شناسند".

اما خرید و فروش سازمان یافته آراء آن هم با سازماندهی و زیر چشم ارگان های حکومت "امام زمان" تنها جلوه کوچکی از پوشالین و ضد مردمی بودن نمایشات انتخاباتی اخیر می باشد. نمونه های دیگری که در زیر به آن ها اشاره می شود هرکدام آئینه تمام نمائی می باشند که گوشه های دیگری از شعبده بازی را منعکس می کنند که دیکتاتوری

حاکم هر بار می کوشد آن را با نام "انتخابات دمکراتیک" و "مردمی" و "سالم" در "نظام اسلامی" به خورد افکار عمومی بدهد:

بنا به گزارشات منتشره با ورود یکباره ۳۵ صندوق آکبند در آخرین لحظات شمارش آراء در زاهدان نتیجه انتخابات کاملاً تغییر کرده و نماینده اصولگرا با این "هدیه غیبی امام زمان" به عنوان نماینده منتخب مردم زاهدان به مجلس فرستاده شد.

در مشهد با پیشی گرفتن نمایندگان جناح موسوم به اصلاح طلب و به دنبال اعتراض "رقباء" نهایتاً فرمانداری مشهد در سایه اعتراضات شدید "اصلاح طلبان" که در اطلاعیه ای "سلامت" انتخابات در کل مشهد را زیر سوال برده بودند، با دو روز تأخیر، "اصول گرایان" را برنده بازی اعلام کرد. به گزارش روزنامه "قانون"، این تحولات به "التهابات" در سطح شهر افزود تا جایی که برخی از خبرگزاری ها از تجمعات و اعتراضات در سطح شهر مشهد خبر دادند. در کرج نیز اداره کنندگان بساط انتخاباتی جمهوری اسلامی تنها در سایه حذف ۷۵ هزار رأی از کل حدوداً ۶۳۰ هزار رأی دریافتی به عنوان "آراء باطله" موفق شدند تا آراء ۲ تن از کاندیداهای موسوم به اصولگرا را به حد نصاب ۲۵ درصد کل آراء برسانند؛ رقمی که حداقل مورد نیاز برای رفتن به مجلس می باشد.

در استان کردستان یک روز پس از اعلام نتایج "انتخابات" مجلس خبرگان، در تاریخ ۸ اسفند، این نتایج تکذیب شد و با ارائه "نتایج جدید" معلوم شد که نماینده بیت رهبری به عنوان یکی از منتخبین به مجلس خبرگان راه خواهد یافت و نه کاندیدائی که قبلاً برنده اعلام شده بود.

چگونگی "انتخاب" آیت الله احمد جنتی، دبیر کنونی شورای نگهبان نیز یکی دیگر از رسوائی های نمایشات انتخاباتی ۷ اسفند رژیم بود. این آخوند جنایتکار که به حق یکی از منفورترین مهره های حکومت و یکی از سمبل های ارتجاع جمهوری اسلامی ست بنا به روایت مردم تنها با دستکاری آشکار آراء توسط کار به دستان جمهوری اسلامی موفق شد تا در لحظات آخر به عنوان نفر آخر به مجلس خبرگان فرستاده شود. رسوائی دستکاری آراء چنان در میان عموم قوی بود که حتی اعتراض یک ملای دیگر حکومتی یعنی آیت الله سجادی عطآبادی که نفر هفدهم شده بود را نیز برانگیخت. وی در نامه ای سرگشاده در تاریخ ۱۲ اسفند خطاب به شورای نگهبان نوشت "اعتراض خود را نسبت به تجمیع آراء و هم چنین نسبت به صندوق هائی که شماره آن ها به پیوست ارسال می شود اعلام می دارم. طبیعی است بازشماری این صندوق ها می تواند رفع کننده شبهات باشد و هرگونه شائبه ای را نسبت به سلامت انتخابات از بین ببرد."

نمونه های فوق تنها مثنی از خروار هستند که نشان می دهند اظهارات رهبر رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی و سایر دولت مردان در مورد عدم سازماندهی نمایشات انتخاباتی توسط حکومت و ادعای دمکراتیک و سالم بودن انتخابات ۷ اسفند و کلاً سایر مضحکه های انتخاباتی در جمهوری اسلامی تا چه حد ریاکارانه و عوام فریبانه و پوچ است.

البته نتایج واقعی شعبده بازی انتخاباتی رژیم و تحریم گسترده آن توسط مردم نشان می دهد که تبلیغات دروغین سردمداران جمهوری اسلامی قادر به فریب اکثریت عظیم کارگران و توده های محروم ما برای جلب آنان به صندوق های مارگیری حکومت نگشته است؛ همان اکثریت عظیم و بی چیزی که هر روز در جریان زندگی فلاکت بار خویش بار سنگین مصایب ناشی از نظام ضد خلقی حاکم و استثمار و سرکوب وحشتناک جمهوری اسلامی را بر گرده شان حمل می کنند. آن ها در تجارب عینی خویش دریافته اند که جمهوری اسلامی رژیم تماماً ضد خلقی ست که چه در هیأت "اصول گرا" و چه در لباس "اصلاح طلب" وظیفه ای جز سرکوب وحشیانه و دائمی مطالبات و خواست های انسانی و به حق توده ها را در مقابل خود نگذاشته است. در نتیجه آن ها کوچکترین امیدی نه به رژیم سرکوبگر حاکم و

نه نسبت به سیستم انتخاباتی دیکتاتوری حاکم و یا بازی در بساط انتخاباتی جمهوری اسلامی برای رسیدن به مطالبات شان ندارند. به عکس این توده عظیم هر جا که کوچکترین روزنه ای برای ابراز نظر واقعی خود پیدا می کند ، با فریادهای مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر اصل ولایت فقیه و ... خواست و رأی واقعی خویش را به منصه ظهور می رساند. گذشته از این واقعیت، حتی رجوع به آمار تقلبی و دست ساز حکومت نشان می دهد که خود سرمداران رژیم هم اجباراً اعتراف می کنند که حتی بر اساس آمار سازی های آن ها ، حداقل نزدیک به ۴۰ درصد آحاد این جامعه در بساط انتخاباتی اخیر شرکت نکرده و آن را تحریم کرده اند.

بررسی تمامی تجارب انتخاباتی در چارچوب دیکتاتوری حاکم نشان می دهد که در جمهوری اسلامی یعنی رژیمی که متکی به استثمار و غارت وحشیانه نیروی کار و ثروت های جامعه ما بوده و با اعمال یک دیکتاتوری عریان و خونین از این نظم ضد خلقی حفاظت می کند، "میزان" هیچ گاه "رأی" مردم نبوده و نیست. این واقعیت را خمینی جلاد از همان نخستین روزهای روی کار آمدن رژیمش با صراحت و در جمله معروف خود که "اگر ۳۵ میلیون بگویند بله ، من می گویم نه" در مقابل چشم همگان قرار داد. هم چنین تجارب انتخاباتی ۳۷ سال گذشته چه در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی و چه در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری و ... نشانگر آن هستند که گردانندگان این رژیم در بالاترین ارگان های تصمیم گیری نظام نظیر بیت رهبری و شورای عالی امنیت ملی، نخست مطابق با نیازهای طبقه حاکم و سیاست های امپریالیست های حامی نظام در هر دوره، آرایش سیاسی دولت و نهادهای سه گانه را تعیین کرده و سپس در جریان یک نمایش انتخاباتی به این انتصابات حکومتی رنگ "انتخابات" مردمی می زنند. در چنین مرحله ای ست که میزان مشارکت مردم و حضور هر چه بیشتر رأی دهندگان با توسل به هر دسیسه و ترفندی ، به یک اولویت برای سران جمهوری اسلامی بدل می گردد؛ چرا که دیکتاتوری حاکم نیازمند آن است که حکومت خود را در افکار عمومی به ویژه در سطح بین المللی دارای پایگاه مردمی نشان داده و از این طریق برای خود مشروعیت دست و پا کند. درست به همین دلیل یکی از برجسته ترین خطوط تبلیغاتی تعقیب شده توسط رهبر جمهوری اسلامی و دیگر مقامات حکومت در هفته های اخیر مقایسه در صد شرکت کنندگان در انتخابات رژیم و مقایسه آن با کشورهای اروپایی و ادعای داشتن پایگاه توده ئی و "مشروعیت" بیشتر رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی نسبت به مثلاً کشورهای نظیر امریکا و کانادا و آلمان و فرانسه و ... است. بیهوده نیست که وزیر خارجه جمهوری اسلامی، محمد جواد ظریف در سفر به استرالیا سعی کرد با مشروع جلوه دادن "انتخابات" و از این طریق ادعای برخورداری جمهوری اسلامی از پایگاه مردمی دست به فریب کاری زده و بگوید: "ایران تنها کشوری در منطقه است که انتخابات برگزار می کند و مردم آن می توانند سرخوردگی های خود را با صندوق رأی جبران کنند و خود را تخلیه کنند ، نه با افراط گرایی و خشونت." (صدای امریکا ۲۵ اسفند ۹۴)

اگر در کشورهای متروپل و نظام سرمایه داری غرب، صرف نظر از هر تقلبی هم که در جریان انتخابات پیش بیاید، به هر حال طبقه استثمارگر حاکم هر چند سال یک بار برای توده های استثمار شونده چنین "حق" را قائل می گردد که از میان دو یا سه حزب اصلی متعلق به طبقه حاکم - و در شرایط غیبت احزاب کارگری و مردمی - با رأی خود تصمیم بگیرند که کدام یک از جناح های استثمارگران برای چند سال آینده بر جان و مال و زندگی آن ها حکم برانند، در چارچوب نظام سرمایه داری وابسته حاکم بر کشور ما ، طبقه حاکم به دلیل ماهیت وابسته اش و نیاز به اعمال دیکتاتوری عریان حتی ظرفیت اعطای چنین "حق" به مردم تحت ستم را ندارد. در نتیجه در چارچوب چنین سیستمی، همان گونه که در جریان نمایشات انتخاباتی ۷ اسفند نیز شاهد بودیم، به اصطلاح نمایندگان در پروسه های نظارت و تعیین صلاحیت دست چین می شوند و سپس با اعمال نفوذ سیستماتیک مراکز قدرت در پروسه انتخابات،

نتایج صندوق های از پیش پُر شده ، اعلام می شود. در یک کلام مهندسی انتخابات و نهایتاً ظاهر انتخاباتی بخشیدن به انتصابات از قبل تصمیم گرفته شده ، نه یک اتفاق بلکه امری همیشگی در سیستم انتخاباتی جمهوری اسلامی بوده و خواهد بود.

تجربه ۳۷ سال سلطه سرکوبگرانه جمهوری اسلامی نشان داده که در شرایط خفقان و دیکتاتوری که این رژیم شکل داده ، جامعه فاقد بدیهی ترین پیش شرط های وجود یک انتخابات آزاد از جمله حق آزادی بیان و حق تشکل می باشد. در نتیجه در این جامعه دیکتاتور زده هیچ گونه امکانی جهت برگزاری انتخابات واقعی وجود ندارد و به همین دلیل بر نمایشات رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی ، هر اسمی را می توان گذارد به جز انتخابات و امکان بروز اراده مردم.

بدون شک با تکیه بر تجربه ۳۷ ساله "انتخابات" در جمهوری اسلامی، شرکت در چنین نمایشاتی با هر انگیزه و توجیهی از جمله "انتخاب بین بد و بدتر"، "رأی سلبی"، "نه به ولی فقیه"، "رأی اعتراضی" و ... جز بازی کردن در بساط انتخاباتی تبهکاران و دزدهای حاکم و قاتلان مردم و افزودن بر عمر ننگین آن ها ، معنی و نتیجه دیگری در بر نداشته و نخواهد داشت. بر چنین اساسی تمامی نیروهای آزادیخواه و آگاه که قلب شان برای آزادی کارگران و زحمتکشان و بهروزی توده های دربند می تپد ، این بار نیز با افشای نمایشات انتخاباتی جمهوری اسلامی به تحریم این شعبده بازی مضحک پرداختند. آن ها به جای دلخوش کردن مردم به نتایج انتخاباتی که انتخابات هم نیست ، مبارزات خود را در جهت تسهیل و برقراری شرایطی گسترش می دهند که در آن خواست واقعی و قلبی اکثریت آحاد جامعه تحت سلطه ما امکان تحقق و بروز پیدا کند. یعنی خواست نابودی رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و تمامی دار و دسته های درونی اش برای رسیدن به یک جامعه آزاد و دموکراتیک و عاری از هرگونه ظلم و ستم!

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۰۱ ، اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۴